



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir

خودساز در کلام  
امام صادق علیه السلام

حلیت

کنون

بصری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# ترجمه حدیث عنوان بصری

نویسنده:

جمعی از راویان

ناشر چاپی:

مسجد مقدس جمکران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

۵	فهرست
۶	ترجمه حدیث عنوان بصری
۶	مشخصات کتاب
۶	اشاره
۳۳	زیارت عاشورا
۳۸	درباره مرکز

سرشناسه: حدیث عنوان بصری (فارسی - عربی)

عنوان و نام پدیدآور: ترجمه حدیث عنوان بصری دستورالعمل امام صادق علیه السلام به ... / [ترجمه واحد پژوهش انتشارات مسجد مقدس جمکران

مشخصات نشر: قم: مسجد مقدس صاحب الزمان (جمکران)، ۱۳۸۴.

مشخصات ظاهری: ص ۳۲

شابک: ۹۶۴-۸۴۸۴-۲۸-۷۱۰۰۰ ریال:

وضعیت فهرست نویسی: فهرست نویسی قبلی یادداشت: فارسی - عربی یادداشت: فهرست نویسی براساس اطلاعات فیپا

یادداشت: عنوان اصلی حدیث عنوان البصری نسخه الامام الصادق علیه السلام الاصحاح السیر و السلوک الی الله مع زیاره عاشورا.

یادداشت: عنوان دیگر: عنوان بصری

عنوان دیگر: عنوان بصری

موضوع: احادیث خاص (عنوان بصری

موضوع: احادیث شیعه -- قرن ۱۴

موضوع: زیارتنامه عاشورا

شناسه افزوده: مسجد جمکران رده بندی کنگره: BP۱۴۵/ع ۹۰۴۱ ۱۳۸۴

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۲۱۴

شماره کتابشناسی ملی: م ۸۴-۹۳۱

ص: ۱

ترجمه

حدیث عنوان بصری

دستورالعمل امام صادق علیه السلام به آرزومندان سیر و سلوک الی الله به همراه زیارت عاشورا

ص: ۲

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

أَوْصِيكَ بِتَسْعَةِ أَشْيَاءَ فَإِنَّهَا وَصِيَّتِي

لِمُرِيدِي الطَّرِيقِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى

امام صادق عليه السلام به «عنوان بصرى» فرمود:

تورا به نه چیز سفارش می کنم که آنها توصیه من به آرزومندان سیر و سلوک الی الله است.

ص: ۳



روایت عنوان بصری یکی از دستور العمل های بسیار مهم وجود مقدس امام صادق علیه السلام است که در بردارنده نکاتی نغز و بدیع در تهذیب نفس است که جهت استفاده تمامی پیروان مکتب نورانی ائمه دین صادر فرموده اند. و بسیاری از عرفا، علما و بزرگان اخلاق اهتمام خاصی به این روایت شریف داشته اند، از جمله مرحوم آیت الله العظمی سید میرزا علی قاضی طباطبایی قدس سره به ارادتمندان و شاگردان خود دستور می دادند که آن را بنویسند و عمل کنند و کراراً

می فرمودند: «باید آن را در جیب خود داشته باشید و هفته ای یکی دو بار آن را مطالعه کنید.» و شاگردان خود را بدون التزام به مضمون این روایت نمی پذیرفتند.

ذیلاً متن و ترجمه این روایت شریف را برای بهره مندی تمامی مشتاقان سلوک الی الله ذکر می کنیم. مرحوم علامه مجلسی قدس سره در بحار الانوار (۱) می فرماید:

ص: ۵

---

۱- ۱. بحار الانوار، چاپ بیروت، ج ۱، ص ۲۲۴، کتاب العلم، باب ۷، آداب طلب العلم و احکامه.

أَقُولُ: وَجَدْتُ بِحِطِّ شَيْخِنَا الْبَهَائِيِّ - قَدَّسَ اللَّهُ رُوحَهُ - مَا هَذَا لَفْظُهُ:

قَالَ الشَّيْخُ شَمْسُ الدِّينِ مُحَمَّدُ بْنُ مَكِّيٍّ: نَقَلْتُ مِنْ حِطِّ الشَّيْخِ أَحْمَدَ الْفَرَاهَانِيِّ رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ عُنْوَانِ الْبَصْرِيِّ - وَكَانَ شَيْخًا كَبِيرًا قَدَّاتَى عَلَيْهِ أَرْبَعٌ وَتِسْعُونَ سَنَةً - قَالَ: كُنْتُ أَخْتَلِفُ إِلَى مَالِكِ بْنِ أَنَسٍ سِنِينَ؛ فَلَمَّا قَدِمَ جَعْفَرُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامَ الْمَدِينَةَ اخْتَلَفْتُ إِلَيْهِ وَأَحْبَبْتُ أَنْ آخُذَ عَنْهُ كَمَا أَخَذْتُ عَنْ مَالِكٍ.

ص: ٦

می‌گوییم: به خط استادمان؛ بهاء الدین عاملی شیخ بهاء قدس سره روایتی را با این مضمون یافتیم:

«شیخ شمس الدین محمد بن مکی (شهید اول) گفت: من از خط شیخ احمد فراهانی رحمه الله از عنوان بصری؛ که پیرمردی سالخورده بود و از عمرش نود و چهار سال می‌گذشت نقل می‌کنم که او گفت: من سالیانی به نزد مالک بن انس رفت و آمد می‌کردم، زمانی که جعفر صادق علیه السلام به مدینه آمدند به محضر ایشان شرفیاب شدم و دوست داشتم همان طوری که از مالک تحصیل علم کرده بودم از ایشان نیز کسب علم کنم.

ص: ۷

فَقَالَ لِي يَوْمًا: إِنِّي رَجُلٌ مَطْلُوبٌ وَمَعَ ذَلِكَ لِي أَوْرَادٌ فِي كُلِّ سَاعَةٍ مِنْ آنَاءِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، فَلَا تَشْغَلْنِي عَنْ وَرْدِي وَخُذْ عَنِّي مَالِكٍ  
وَاخْتَلِفْ إِلَيْهِ كَمَا كُنْتَ تَخْتَلِفُ إِلَيْهِ.

فَاغْتَمَمْتُ مِنْ ذَلِكَ وَخَرَجْتُ مِنْ عِنْدِهِ وَقُلْتُ فِي نَفْسِي؛ لَوْ تَفَرَّسَ فِيَّ خَيْرًا لَمَا زَجَرَنِي عَنِ الْإِخْتِلَافِ إِلَيْهِ وَالْأَخْذِ عَنْهُ، فَدَخَلْتُ  
مَسْجِدَ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

ص: ٨

روزی آن حضرت به من فرمودند: من مردی تحت نظرم [\(۱\)](#)

علاوه بر این در هر ساعت از شبانه روز اذکاری دارم که به آنها مشغول هستم. پس مرا از عبادتم غافل نکن، و علومت را از سالک و راهنماییت (مالک بن انس) بگیر و مثل گذشته با او رفت و آمد کن. از این ماجرا غمگین شدم و از محضرشان مرخص شدم. با خودم گفتم: اگر در وجود من آثار خیر و هدایت به چشم حضرت می آمد، مرا از رفت و آمد و کسب علم از محضرشان منع نمی فرمودند.

بنابراین در مسیر خود داخل مسجد رسول الله صلی الله علیه و آله شدم

ص: ۹

---

۱- ۲. وجود مقدس امام صادق علیه السلام در دوران امامت شدیداً تحت نظر حکومت وقت بودند خصوصاً زمان منصور دوانیقی که نسبت به حضرت ظلم زیادی روا داشت تا آنجا که محل اقامت آن حضرت را سه بار تغییر داد و لذا رفت و آمد ایشان در مقاطعی به ویژه اواخر عمر در اختیار خودشان نبود. که این امر خود بیانگر خفقان حاکم بر جامعه و ترس بیش از حد حاکمان جائز از ارتباط مردم با امام علیه السلام است.

وَسَيَلَّمْتُ عَلَيْهِ ثُمَّ رَجَعْتُ مِنَ الْغَدِ إِلَى الرَّوْضَةِ وَصَلَّيْتُ فِيهَا رَكَعَتَيْنِ وَقُلْتُ: اَسْئَلُكَ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ أَنْ تَعْطِفَ عَلَيَّ قَلْبَ جَعْفَرٍ  
وَتَرْزُقَنِي مِنْ عِلْمِهِ مَا أَهْتَدِي بِهِ إِلَى صِرَاطِكَ الْمُسْتَقِيمِ.

وَرَجَعْتُ إِلَى دَارِي مُعْتَمِئاً وَلَمْ أَخْتَلِفْ إِلَى مَالِكِ بْنِ أَنَسٍ لِمَا أُشْرِبَ قَلْبِي مِنْ حُبِّ جَعْفَرٍ فَمَا خَرَجْتُ مِنْ دَارِي إِلَّا إِلَى الصَّلَاةِ  
الْمَكْتُوبَةِ حَتَّى عَيْلَ صَبْرِي فَلَمَّا ضَاقَ صَدْرِي تَنَعَّلْتُ وَتَرَدَّيْتُ وَقَصَدْتُ جَعْفراً وَكَانَ بَعْدَ مَا صَلَّيْتُ الْعَصْرَ.

ص: ١٠

و به آن حضرت سلام دادم و بیرون آمدم. سپس فردای آن روز به روضه مبارکه (بین قبر و منبر رسول خدا صلی الله علیه و آله) برگشتم و دو رکعت نماز خواندم و عرض کردم: خدایا! پروردگارا! قلب جعفر علیه السلام را نسبت به من مهربان و متمایل فرما و از علمش مقداری روزی من کن که به وسیله آن به راه راست تو هدایت شوم.

با همان حالت ناراحتی و اندوه به منزل برگشتم و چون دلم مالا مال از محبت جعفر علیه السلام شده بود با مالک بن انس رفت و آمد نکردم و از خانه ام بجز برای نماز واجب خارج نشدم، تا این که صبرم تمام شد. (روزی) پس از اقامه نماز عصر سینه ام تنگ شد و طاقتم به سر آمد نعلینم را به پا کرده، ردایم را پوشیده و قصد دیدار جعفر صادق علیه السلام نمودم.



فَلَمَّا حَضَرَتْ بَابَ دَارِهِ اسْتَأْذَنْتُ عَلَيْهِ فَخَرَجَ خَادِمٌ لَهُ، فَقَالَ: مَا حَاجَتُكَ؟ قُلْتُ السَّلَامَ عَلَى الشَّرِيفِ. فَقَالَ: هُوَ قَائِمٌ فِي مُصَيِّمَاءَ. فَجَلَسْتُ بِحِذَاءِ بَابِهِ فَمَا لَبِثْتُ إِلَّا يَسِيرًا إِذْ خَرَجَ خَادِمٌ فَقَالَ: أُذْخِلْ عَلَيَّ بَرَكَهَ اللَّهِ. فَدَخَلْتُ وَسَلِّمْتُ عَلَيْهِ. فَرَدَّ السَّلَامَ وَقَالَ: اجْلِسْ، غَفَرَ اللَّهُ لَكَ. فَجَلَسْتُ.

ص: ١٢

وقتی که به درب خانه آن حضرت رسیدم اجازه ورود خواستم. خادمی بیرون آمده و پرسید: چه می خواهی؟ گفتم: (آمده ام تا) به محضر شریف (امام صادق علیه السلام) عرض سلام کنم.

گفت: او در محل نمازشان مشغول عبادت هستند.

مقابل درب خانه حضرت نشسته و کمی درنگ کردم که خادمی از خانه خارج شد و گفت: به برکتی که خدا نصیب تو کرده داخل شو. وارد شده و بر آن حضرت سلام کردم. امام ضمن جواب سلام، فرمودند: بنشین، خداوند تو را بیامرزد. پس من نشستم.

ص: ۱۳

فَاطَرَقَ مَلِيًّا، ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ وَقَالَ: أَبُو مَنْ؟

قُلْتُ: أَبُو عَبْدِ اللَّهِ. قَالَ: تَبَّتْ اللَّهُ كُنْيَتَكَ وَوَفَّقَكَ يَا أبا عَبْدِ اللَّهِ، مَا مَسَّ مَلَّتْكَ؟ فَقُلْتُ فِي نَفْسِي: لَوْ لَمْ يَكُنْ لِي مِنْ زِيَارَتِهِ وَالتَّسْلِيمِ غَيْرُ هَذَا الدُّعَاءِ لَكَانَ كَثِيرًا.

ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ ثُمَّ قَالَ: مَا مَسَّ مَلَّتْكَ؟ فَقُلْتُ: سَأَلْتُ اللَّهَ أَنْ يَعْطِفَ قَلْبَكَ عَلَيَّ وَيَرْزُقَنِي مِنْ عِلْمِكَ وَأَرْجُو أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَجَابَنِي فِي الشَّرِيفِ مَا سَأَلْتُهُ.

ص: ١٤

حضرت مدتی به حال تفکر، سرشان را پایین انداختند، سپس سر بلند کرده و فرمودند: کُنیه شما چیست؟ گفتم: ابا عبدالله. فرمودند: خداوند کُنیه شما را ثابت گردانده و تو را موفق کند. ای ابا عبدالله، درخواست چیست؟ (حضرت باز سر خود را به زیر انداخت و منتظر جواب من شد) با خودم گفتم: اگر بهره من از این زیارت و عرض سلام فقط همین دعا باشد خیری بزرگ و زیاد است. باز حضرت سرشان را بلند کرده و فرمودند: چه می خواهی؟ عرضه داشتم: از خداوند خواستم که قلب شما را نسبت به من مهربان کند و از علم شما روزی ام فرماید. و امید دارم خداوند آنچه را که درباره وجود شریف شما خواسته ام اجابت فرماید.

فَقَالَ: يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ! لَيْسَ الْعِلْمُ بِالتَّعَلُّمِ، إِنَّمَا هُوَ نُورٌ يَقَعُ فِي قَلْبٍ مَنْ يُرِيدُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَنْ يَهْدِيَهُ. فَإِنْ أَرَدْتَ الْعِلْمَ فَاطْلُبْ  
أَوَّلًا فِي نَفْسِكَ حَقِيقَةَ الْعُبُودِيَّةِ وَاطْلُبِ الْعِلْمَ بِاسْتِعْمَالِهِ وَاسْتَفْهِمِ اللَّهَ يُفْهِمُكَ.

قُلْتُ: يَا شَرِيفُ! فَقَالَ: قُلْ: يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ. قُلْتُ: يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ مَا حَقِيقَةُ الْعُبُودِيَّةِ؟

قَالَ: ثَلَاثَةٌ أَشْيَاءُ؛ أَنْ لَا يَرَى الْعَبْدُ لِنَفْسِهِ فِيمَا خَوَّلَهُ اللَّهُ مَلَكًا لِأَنَّ الْعَبِيدَ لَا يَكُونُ لَهُمْ مَلِكٌ،

حضرت فرمودند: ای اباعبداللّه! علم به آموختن نیست، علم نور است و در قلب کسی قرار می گیرد که خداوند تبارک و تعالی هدایت او را اراده فرموده باشد. بنابراین اگر علم می خواهی ابتدا باید حقیقت عبودیت (بندگی) را در وجود خودت بخواهی و علم را با عمل کردن، طلب کنی و از خداوند طلب فهم کن تا (علم را) به تو بفهماند. عرض کردم: ای شریف. فرمودند: مرا اباعبداللّه صدا بزن. گفتم: ای ابا عبداللّه! حقیقت عبودیت و بندگی چیست؟ فرمودند: سه چیز است؛ ۱- اینکه بنده خدا در مورد آنچه که پروردگار به او سپرده است برای خودش ملکیتی نبیند. چرا که بندگان ملک ندارند (مالک حقیقی خداوند تبارک و تعالی است)

يَرُونَ الْمَالَ مَالَ اللَّهِ يَضَعُونَهُ حَيْثُ أَمَرَهُمُ اللَّهُ بِهِ وَلَا يُدَبِّرُ الْعَبْدُ لِنَفْسِهِ تَدْبِيرًا وَجُمْلَهُ إِشْتِغَالِهِ فِيمَا أَمَرَهُ تَعَالَى بِهِ وَنَهَاهُ عَنْهُ. فَإِذَا لَمْ يَرِ الْعَبْدُ لِنَفْسِهِ فِيمَا حَوَّلَهُ اللَّهُ تَعَالَى مَلِكًا هَانَ عَلَيْهِ الْإِنْفَاقَ فِيمَا أَمَرَهُ اللَّهُ تَعَالَى أَنْ يُنْفِقَ فِيهِ. وَإِذَا فَوَّضَ الْعَبْدُ تَدْبِيرَ نَفْسِهِ عَلَى مُدَبِّرِهِ هَانَ عَلَيْهِ مَصَائِبُ الدُّنْيَا وَإِذَا اشْتَغَلَ الْعَبْدُ بِمَا أَمَرَهُ اللَّهُ تَعَالَى وَنَهَاهُ، إِلَّا يَتَفَرَّغُ مِنْهُمَا إِلَى الْمِرَاءِ وَالْمُبَاهَاهِ مَعَ النَّاسِ.

و همه اموال را از آن خداوند می بینند. و آن را در جایی قرار می دهد (مصرف می کند) که خداوند امر فرموده است.

۲- بنده خدا برای خودش مصلحت اندیشی و تدبیر نمی کند (مصلحت و تدبیر واقعی را در دست خداوند می داند).

۳- تمام اشتغال او در کاری منحصر شود که خداوند او را به آن امر یا از آن نهی فرموده است.

پس اگر بنده خدا در آنچه که پروردگار به او سپرده است ملکیتی برای خودش نبیند، در این صورت انفاق کردن برایش در چیزی که خداوند امر فرموده است آسان می شود. و وقتی که تدبیر امورش را به مدبّرش بسپرد (و اهل توکل شود) تحمل مصیبت های دنیا برایش آسان می شود. و زمانی که به آنچه خداوند امر و نهی کرده است مشغول باشد دیگر فرصتی برای خودنمایی و فخرفروشی به مردم پیدا نمی کند.

ص: ۱۹



فَإِذَا أَكْرَمَ اللَّهُ الْعَبْدَ بِهَذِهِ الثَّلَاثَةِ هَانَ عَلَيْهِ الدُّنْيَا وَإِبْلِيسُ وَالْخَلْقُ. وَلَا يَطْلُبُ الدُّنْيَا تَكَاثُرًا وَتَفَاخُرًا وَلَا يَطْلُبُ مَا عِنْدَ النَّاسِ عِزًّا وَعُلْوًا وَلَا يَدْعُ أَيَّامَهُ بَاطِلًا. فَهَذَا أَوَّلُ دَرَجَةِ التَّقَى قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فِسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ.

قُلْتُ: يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ أَوْصِنِي؟ قَالَ: أَوْصِيكَ بِشَعَةِ أَشْيَاءَ فَإِنَّهَا وَصِيَّتِي لِمُرِيدِي الطَّرِيقِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى

ص: ٢٠

پس وقتی که خداوند بنده را با این سه (خصلت) گرامی بفرماید دنیا و ابلیس و مردم در نظرش کوچک خواهند بود. و دیگر دنیا را برای زیاده خواهی و فخر و مباهات به مردم و برای عزّت و جاه طلبی آنچه را که نزد مردم است نمی خواهد و عمرش را به بیهودگی نمی گذراند.

این اولین درجه تقوا است که خداوند تبارک و تعالی می فرماید: آن سرای آخرت است که برای کسانی که در زمین قصد بلند پروازی ندارند و دنبال فساد نمی گردند، قرار دادیم و سرانجام نیک، برای مردم با تقوا است.

عرض کردم: ای ابا عبد الله! به من توصیه ای بفرمایید. فرمودند: تو را به نه چیز وصیت می کنم که آنها توصیه من به همه آرزومندان سیر و سلوک الی الله است.

ص: ۲۱

وَاللَّهُ أَسَدٌ أَنْ يُوفَّقَكَ لِاسْتِعْمَالِهِ؛ ثَلَاثَةٌ مِنْهَا فِي رِيَاضَةِ النَّفْسِ وَثَلَاثَةٌ مِنْهَا فِي الْحِلْمِ وَثَلَاثَةٌ مِنْهَا فِي الْعِلْمِ فَاحْفَظْهَا وَإِيَّاكَ  
وَالْتَهَاوْنَ بِهَا.

قَالَ عُنْوَانٌ: فَفَرَّغْتُ قَلْبِي لَهُ.

فَقَالَ: أَمَّا اللّٰوَاتِي فِي الرِّيَاضَةِ فَإِيَّاكَ أَنْ تَأْكُلَ مَا لَا تَشْتَهِيهِ فَإِنَّهُ يُورِثُ الْحِمَاقَةَ وَالْبَلَةَ وَلَا تَأْكُلْ إِلَّا عِنْدَ الْجُوعِ وَإِذَا أَكَلْتَ فَكُلْ حَلَالًا  
وَسَمَّ اللَّهُ وَأَذْكَرَ حَدِيثَ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَا مَلَأَ آدَمِيٌّ وَعَاءً شَرًّا مِنْ بَطْنِهِ.

ص: ٢٢

از خداوند موفقیت تو را در عمل به آنها خواستارم. سه مورد آن در ریاضت و تربیت نفس است و سه مورد آن در حلم و بردباری و صبر است و سه امر دیگر آن در علم و دانش است. پس این وصایا را حفظ کن و به خاطر بسیار و مبادا در عمل به آنها سستی کنی. عنوان بصری می گوید: من قلبم را (برای فراگیری علم حضرت) آماده کردم. حضرت فرمودند: اما آنچه که در ریاضت نفس است: ۱- مبادا چیزی را بخوری که به آن اشتها نداری چون موجب حماقت و نادانی می شود. ۲- و تا گرسنه نشدی چیزی نخور. ۳- زمانی که غذایی خوردی، با نام خدا و حلال باشد و حدیث رسول خدا را به یاد داشته باش که فرمودند: آدمی هیچ ظرفی بدتر از شکمش را پر نکرده است.

فَإِنْ كَانَ وَلَا بُدَّ فُتِلْتُ لِطَعَامِهِ وَتُلْتُ لِشَرَابِهِ وَتُلْتُ لِنَفْسِهِ. وَأَمَّا اللَّوَاتِي فِي الْحِلْمِ: فَمَنْ قَالَ لَكَ إِنْ قُلْتَ وَاحِدَةً سَمِعْتَ عَشْرًا فَقُلْ: إِنْ قُلْتَ عَشْرًا لَمْ تَسْمَعْ وَاحِدَةً.

وَمَنْ شَتَمَكَ، فَقُلْ لَهُ: إِنْ كُنْتُ صَادِقًا فِيمَا تَقُولُ فَأَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يَغْفِرَ لِي وَإِنْ كُنْتُ كَاذِبًا فِيمَا تَقُولُ فَاللَّهُ أَسْأَلُ أَنْ يَغْفِرَ لَكَ. وَمَنْ وَعَدَكَ بِالْخَنَى فَعِدُّهُ بِالنَّصِيحَةِ وَالرَّعَاءِ.

وَأَمَّا اللَّوَاتِي فِي الْعِلْمِ فَأَسْأَلِ الْعُلَمَاءَ مَا جَهِلْتَ. وَإِيَّاكَ أَنْ تَسْأَلَهُمْ تَعْنَتًا وَتَجْرِبَةً.

ص: ٢٤

پس اگر ناچار شد غذا بخورد، یک سوم شکمش را برای طعام، و یک سوم را برای آب و یک سوم را برای تنفس قرار دهد. اما آن سه موردی که در حلم و بردباری است:

۱- اگر کسی به تو گفت که اگر یکی بگویی ده تا می شنوی. به او بگو: اگر ده تا بگویی سخنی هم نمی شنوی (عفت کلام داشته باش و از نزاع بپرهیز).

۲- اگر کسی به تو دشنامی داد به او بگو: اگر راست می گویی از خداوند می خواهم مرا ببخشد و اگر دروغ می گویی از خداوند می خواهم تو را ببخشد.

۳- و اگر کسی تو را تهدید به دشنام کرد تو او را به خیر خواهی (نصحیت) و مراعاتش وعده بده.

و اما آن سه امر دیگر که در علم و دانش است:

۱- آنچه را که نمی دانی از عالمان بپرس و مبادا برای به زحمت انداختن و امتحان کردنشان سؤال کنی.

ص: ۲۵

وَأَيَّاكَ أَنْ تَعْمَلَ بِرَأْيِكَ شَيْئًا. وَخُذْ بِالْإِحْتِيَاظِ فِي جَمِيعِ مَا تَجِدُ إِلَيْهِ سَبِيلًا. وَاهْرُبْ مِنَ الْفُتْيَا هَرْبَكَ مِنَ الْأَسَدِ وَلَا تَجْعَلْ رَقَبَتَكَ لِلنَّاسِ جِسْرًا.

قُمْ عَنِّي يَا أَبَاعَبْدِ اللَّهِ فَقَدْ نَصَحْتُ لَكَ وَلَا تُفْسِدْ عَلَيَّ وَرِدِي فَإِنِّي أَمْرُهُ ضَنِينٌ بِنَفْسِي.

وَالسَّلَامُ عَلَى مَنْ اتَّبَعَ الْهُدَى (١)

ص: ٢٦

---

١-٣. بحار الانوار، علامه مجلسي، ج ١ ص ٢٢٤ - ٢٢٦؛ الكوكب الدرّي في شرح حديث عنوان البصري، آيت الله حاج سيد ابوالفضل نبوي قمي، بدون تاريخ و محل نشر؛ منيه المرید، شهيد ثانی، تصحيح رضا مختاری، ص ١٤٩ - ١٤٨

۲- مبدا بر اساس خود رأیی دست به کاری بزنی که علم نداری و در تمامی امور تا آنجا که ممکن است مسیر احتیاط را رها نکن.

۳- همان گونه که از شیر درنده فرار می کنی از فتوی دادن (فتوای بدون علم) [\(۱\)](#) بپرهیز و گردن خود را پل عبور مردم نکن. ای ابا عبدالله! برخیز و برو که من برای تو خیر خواهی کردم. و ذکر من را خراب نکن چرا که من مردی هستم که بر گذشت عمرم دقت دارم و سلام بر کسی که از هدایت پیروی می کند.

ص: ۲۷

---

۱-۴. نظر قاطع دادن در امری که تخصص نداری، مثلاً نظر دادن در امور دینی بدون توجه به نظر فقیه.



السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَاعَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ وَابْنَ ثَارِهِ وَالْوَثَرَ الْمُؤْتُونَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ، عَلَيْكَ مِنِّي سَلَامُ اللَّهِ أَبَدًا مَا بَقِيَتْ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ. يَا أَبَاعَبْدِ اللَّهِ لَقَدْ عَظُمَتِ الرَّزِيَّةُ وَجَلَّتْ وَعَظُمَتِ الْمُصِيبَةُ بِكَ عَلَيْنَا وَعَلَى جَمِيعِ أَهْلِ الْإِسْلَامِ، وَجَلَّتْ وَعَظُمَتِ مُصِيبَتُكَ فِي السَّمَاوَاتِ عَلَى جَمِيعِ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ، فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّهُ أَسَسَتْ أَسَاسَ الظُّلْمِ وَالْحِيُورِ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّهُ دَفَعَتْكُمْ عَنْ مَقَامِكُمْ وَأَزَالَتْكُمْ عَنْ مَرَاتِبِكُمْ الَّتِي رَتَّبَكُمْ اللَّهُ فِيهَا، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّهُ قَتَلَتْكُمْ، وَلَعَنَ اللَّهُ الْمُمَهِّدِينَ لَهُمْ بِالتَّمْكِينِ مِنْ قِتَالِكُمْ، بَرِئْتُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَيْكُمْ مِنْهُمْ وَمِنْ أَشْيَاعِهِمْ وَأَتْبَاعِهِمْ وَأَوْلِيَائِهِمْ. يَا أَبَاعَبْدِ اللَّهِ

إِنِّي سَلَّمْتُ لِمَنْ سَأَلَكُمْ وَحَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَلَعَنَ اللَّهُ آلَ زِيَادٍ وَآلَ مَرْوَانَ، وَلَعَنَ اللَّهُ بَيْنِي أُمَّيَّةَ قَاطِبِيَّةً، وَلَعَنَ اللَّهُ ابْنَ مَرْجَانَةَ، وَلَعَنَ اللَّهُ عُمَرَ بْنَ سَعْدٍ، وَلَعَنَ اللَّهُ شَمْرًا، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّهُ أَسْرَجَتْ وَأَلْجَمَتْ وَتَنَقَّبَتْ لِقِتَالِكَ. بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي لَقَدْ عَظُمَ مُصَابِي بِكَ، فَاسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَكْرَمَ مَقَامَكَ وَأَكْرَمَنِي بِكَ أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِكَ مَعَ إِمَامٍ مَنْصُورٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي عِنْدَكَ وَجِيهًا بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.

يَا أَبَاعَبِيدِ اللَّهِ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَى رَسُولِهِ وَإِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَإِلَى فَاطِمَةَ وَإِلَى الْحَسَنِ وَإِلَيْكَ بِمُؤَالَاتِكَ، وَبِالْبِرَاءَةِ مِمَّنْ قَاتَلَكَ وَنَصَبَ لَكَ الْحَرْبَ، وَبِالْبِرَاءَةِ مِمَّنْ أَسَسَ الظُّلْمَ وَالْجَوْرَ عَلَيْكُمْ، وَأَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَى رَسُولِهِ مِمَّنْ أَسَسَ أساسَ ذَلِكَ وَبَنَى عَلَيْهِ بُيُوتَهُ، وَجَرَى فِي ظُلْمِهِ وَجَوْرِهِ عَلَيْكُمْ وَعَلَى أَشْيَاعِكُمْ، بَرَأْتُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَيْكُمْ مِنْهُمْ

وَأَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ تُعَمِّمُ إِلَيْكُمْ بِمُؤَالَاتِكُمْ وَمُؤَالَاهِ وَلِيَّكُمْ، وَبِالْبِرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِكُمْ وَالنَّاصِبِينَ لَكُمْ الْحَرْبَ، وَبِالْبِرَاءَةِ مِنْ أَشْيَاعِهِمْ  
وَأَتْبَاعِهِمْ، إِنِّي سَلَّمْتُ لِمَنْ سَأَلَكُمْ وَحَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ، وَوَلِيُّ لِمَنْ وَالَاكُمْ وَعَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاكُمْ، فَأَسئَلُ اللَّهَ الَّذِي أَكْرَمَنِي  
بِمَعْرِفَتِكُمْ وَمَعْرِفَةِ أَوْلِيَائِكُمْ، وَرَزَقَنِي الْبِرَاءَةَ مِنْ أَعْدَائِكُمْ، أَنْ يَجْعَلَنِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَأَنْ يُبَيِّنَ لِي عِنْدَكُمْ قَدَمَ صِدْقٍ  
فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَأَسئَلُهُ أَنْ يُبَلِّغَنِي الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ وَأَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ شَارِكُمْ مَعَ إِمَامٍ هُدًى ظَاهِرٍ نَاطِقٍ بِالْحَقِّ  
مِنْكُمْ وَأَسئَلُ اللَّهَ بِحَقِّكُمْ وَبِالشَّانِ الَّذِي لَكُمْ عِنْدَهُ أَنْ يُعْطِينِي بِمُصَابِي بَكُمْ أَفْضَلَ مَا يُعْطَى مُصَابًا بِمُصَابَةِ بِيْتِهِ مُصَابَةً بِيْتِهِ مَا أَعْظَمَهَا  
وَأَعْظَمَ رِزْقِيَّتَهَا فِي الْإِسْلَامِ وَفِي جَمِيعِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ. اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِي مَقَامِي هَذَا مِمَّنْ تَنَالُهُ مِنْكَ صِلَوَاتُ وَرَحْمَةُ  
وَمَغْفِرَةٌ. اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَحْيَايَ مَحْيَا مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَمَمَاتِي مَمَاتَ

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ. اَللّٰهُمَّ اِنَّ هَذَا يَوْمٌ تَبَرَّكَتْ بِهِ بَنُو اُمَّيَّهٖ وَابْنُ اَكَلِهٖ الْاَكْبَادِ، اللَّعِيْنُ اِبْنُ اللَّعِيْنِ عَلٰى لِسَانِكَ وَلِسَانِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهٖ فِي كُلِّ مَوْطِنٍ وَمَوْقِفٍ وَقَفَ فِيْهِ نَبِيُّكَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهٖ. اَللّٰهُمَّ الْعَنْ اَبَاسُفِيَّانَ وَمُعَاوِيَةَ وَيَزِيْدَ بْنَ مُعَاوِيَةَ عَلَيْهِمْ مِنْكَ اللَّعْنَةُ اَيَّدِ الْاَبْعَدِيْنَ، وَهَذَا يَوْمٌ فَرِحَتْ بِهِ آلُ زِيَادٍ وَآلُ مَرْوَانَ بِقَتْلِهِمُ الْحُسَيْنِ صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَيْهِ. اَللّٰهُمَّ فَضَاعِفْ عَلَيْهِمُ اللَّعْنَ مِنْكَ وَالْعِيَابَ الْاَلِيْمَةَ. اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَتَقَرَّبُ اِلَيْكَ فِيْ هَذَا الْيَوْمِ وَفِيْ مَوْقِفِيْ هَذَا وَاَيَّامِ حَيَاتِيْ بِاَلْبِرِّ اَتَتْهُ مِنْهُمْ وَاللّٰعْنَةُ عَلَيْهِمْ وَبِالْمَوَالِيْ لِنَبِيِّكَ وَآلِ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ.

پس صد مرتبه می گوئی: اَللّٰهُمَّ الْعَنْ اَوَّلَ ظَالِمٍ ظَلَمَ حَقَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاٰخِرَ تَابِعٍ لَّهُ عَلٰى ذَلٰتِكَ، اَللّٰهُمَّ الْعَنْ الْعِصَابَةَ الَّتِي جَاهَدَتِ الْحُسَيْنَ وَشَايَعَتْ وَبَايَعَتْ وَتَابَعَتْ عَلٰى قَتْلِهِ، اَللّٰهُمَّ الْعَنْهُمْ جَمِيْعًا.

و صد مرتبه می گوئی: اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اَبَاعَبْدِ اللّٰهِ وَعَلَى الْاَرْوَاحِ الَّتِي

حَلَّتْ بِفِنَائِكَ، عَلَيَّكَ مِنْ سِيْلَامِ اللّٰهِ اَبَدًا مَا بَقِيَتْ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ. وَلَا جَعَلَهُ اللّٰهُ اٰخِرَ الْعَهْدِ مِنْ لِيْزِيَارَتِكُمْ. السَّلَامُ عَلَيَّ  
الْحُسَيْنِ، وَعَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ، وَعَلَى اَوْلَادِ الْحُسَيْنِ، وَعَلَى اَصْحَابِ الْحُسَيْنِ. پس می گوئی: اَللّٰهُمَّ خُصَّ اَنْتَ اَوَّلَ ظَالِمٍ بِاللّٰعِنِ  
مِنْى، وَاَبْدَأُ بِهٖ اَوَّلًا ثُمَّ الثَّانِي وَالثَّلَاثِ وَالرَّابِعِ. اَللّٰهُمَّ الْعَنْ يَزِيْدَ خَامِسًا، وَالْعَنْ عُبَيْدَ اللّٰهِ بْنِ زِيَادٍ وَاِبْنَ مَرْجَانَهٗ وَعُمَرَ بْنَ سَعْدٍ وَشَدْمَرَ،  
وَالْاَبِي سَفِيَانَ وَالْاَبِي زِيَادِ وَالْمَرْوَانَ اِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

پس به سجده رفته و می گوئی: اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدَ الشَّاكِرِيْنَ لَكَ عَلَيَّ مُصَابِيْهِمْ، اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلَيَّ عَظِيْمَ رَزِيَّتِيْ. اَللّٰهُمَّ اَرْزُقْنِيْ  
شَفَاعَةَ الْحُسَيْنِ يَوْمَ الْوُرُوْدِ وَتَبَّتْ لِيْ قَدَمٌ صِدْقٍ عِنْدَكَ مَعَ الْحُسَيْنِ وَاَصْحَابِ الْحُسَيْنِ الَّذِيْنَ بَدَلُوْا مُهَجَّهُمْ دُوْنَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ  
السَّلَامُ.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه

اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

